

مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

حوادث روز های اخیر در جمهوری توده ای چین بار دیگر بحران سیاسی عمیقی را که در نتیجه اندیشه های ضد مارکسیستی مائو، جامعه چین به آن دچار گشته ، با برجستگی ویژه ای متجلی نمود و نشان داد که نتایج سیاست داخلی و خارجی رهبری مائوئیستی مردم چین را هر چه بیشتر بسوی بن بستهای سیاسی میکشاند . معلوم شد که «انقلاب سفید» سالهای شصت

تشدید بحران در درون رهبری مائوئیستی

آن برسد ، بلکه شکاف در میان جناحهای مختلف در رهبری چین و مبارزه بر سر قدرت میان این گروهها را تشدید نموده و این اختلافات در میات توده های دنباله در صفحه ۲

که مظهری از لبرد برسر قدرت و بمنظور تصفیه حساب با مخالفین سیاسی و تحکیم مواضع گروه رهبری مائوئیستی بدستور مستقیم مائوتسه دون برآه انداخته شد ، نه تنها نتوانسته به نتایج مطلوب برای مبتکرین

مصاحبه هدیه عبدالناصر دختر جمال عبدالناصر رئیس جمهور فقید مصر با روزنامه «الدستور» چاپ اردن

هدیه عبدالناصر اظهار داشت : حمله و اقتراب به پدر من بلافاصله پس از درگذشت وی آغاز شد . این تبلیغات ابتدا در محافل محدودی جریان داشت و سپس جنبه گسترده آشکار و رسمی بخود گرفت . هدف این تبلیغات از بین بردن میراث ایدئولوژیک و سیاسی نخستین رئیس جمهور مصر و خصلت و نتایج انقلاب مصر است . هدیه عبدالناصر متذکر شد این تبلیغات محکوم به شکست است ، زیرا مردم برای کارهاییکه ناصر برای خلق خود انجام داده ، ارزش قائلند . علیرغم تبلیغات ضد ناصر ، شماره طرفداران ناصر پویژه میان کارگران و دانشجویان روینفونی است . ضمناً مسئله بر سر این نیست که چه کسی موافق یا مخالف ناصر است ، اکثریت جمعیت ۲۷ میلیونی مصر از انقلاب مصر که سمبلیکری سوسیالیستی دارد پشتیبانی میکنند .

هدیه عبدالناصر گفت تلاش رهبری کنونی مصر برای کاهش نقش رئیس جمهور فقید مصر ناصر مبتنی بر پندارهای واهی است . خدمت پدر من در آنستکه بردهی وی در انقلاب ضد استعماری و ضد امپریالیستی در مصر انجام گرفت و این انقلاب برای دیگر کشور های عربی راهگشا بود . باید متذکر شد که درست ناصر بود که در مقابل همه مانور ها و توطئه های دول امپریالیستی ایستادگی میکرد . روزنامه «براداه» ۲۲ آوریل ۱۹۷۶

قرار معلوم زندانیان دوران یازدهم را در یکی از زندان های کشور ، احتمالاً در زندان بد نام « کمیته » واقع در مقر ساواک ، بسر برده اند . بنا به تجربیات گذشته میتوان حدس زد که آنها نیز اختفاری استثنایی با وسایل جالب دستگاههای الکتریکی رژیم را داشته اند! در ادعاهای مختلف از بسیاری از چنین آلات ، از جمله نوعی اجاق که بر اثر حرارت سرخ میگردد و همچنین دادن شوک برقی به اعضای تناسلی ، سخن گفته میشود . اگر این روش ها موثر واقع نگردد ، امکان آن هست که بمنظور کسب اطلاعات ، بستگان نزدیک متهمان دستگیر و بر برابر دیدگان آنها شکنجه شوند . ده روز پیش از آغاز داد رسی ، متهمان اجازه می یابند که با وکلای مدافع خود ملاقات کنند . ایشان معمولاً صلاحیت قضائی بی بهره اند و افسران باز نشسته و یا در حال خدمت هستند که با اجازه رژیم منصوب میشوند . داد رسان از میان افسران ارشد برگزیده میشوند . کیفر خواست کتبی و همراه با پرونده های ساواک ارائه میگردد . ظاهراً اظهارات متهمان تنها مستند شفاهی بود است ؛ زیرا که شهود و وکلای مدافع پذیرفته نشده اند . تاکتیک وکیل مدافع را تا حدی مدارک اثباتی تعیین کرده است . احتمالاً ، مورد استناد ساواک اقرار متهمان بوده است که امری است قابل بحث و از طریق شکنجه تحمیل شده است . امکان دارد که متهمان درخواست غفو کرده باشند . یاد آوری این نکته سودمند می نماید ، که در گذشته برخی از وکلای مدافع ، بعطت کوشش برای آزادی موکلان خود ، مورد تعقیب اولیه امور واقع شده تحت تعقیب قرار گرفته و محکومیت یافته اند . محاکمات بسوی و تجدید نظر در خفا و سری انجام گرفته است . مطبوعات این کشور ، که تحت سانسور شدید قرار دارند ، تنها اطلاعاتی را چاپ میکنند که دولت در اختیار آنها گذاشته است . نکته جالب دیگر آنست که ما در جریان دنباله در صفحه ۲

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره درگذشت رفیق اذری



با تأسف فراوان اطلاع یافتیم که رفیق آذری عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و عضو کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان در ۲۴ اسفند سال ۱۳۵۴ در گذشت . رفیق میر آقا آذری در سال ۱۳۲۲ هجری شمسی در دهکده «زاویه» از محال خلخال متولد شد . رفیق آذری از سنین جوانی در صفوف حزب کمونیست ایران و در جنبش گیلان شرکت کرده و پس از سرکوب این جنبش مجبور به هجرت گردید . وی در سال ۱۳۱۶ بایران بازگشت و پسال ۱۳۲۲ در تهران بصورت حزب توده ایران درآمد و در اراک عضو کمیته ولایتی حزب بوده و ضمناً از مؤسسين اتحادیه کارگران راه آهن شهر اراک و سپس مسئول این اتحادیه بود .

رفیق آذری در سال ۱۳۲۴ در تبریز بصورت فرقه دمکرات آذربایجان ، درآمد ، در دوران حکومت ملی آذربایجان بریاست اداره راه آهن آذربایجان رسید و در عین حال بصورت شعبه تشکیلات دوازدهمین حوزه کمیته شهری تبریز و شورای اتحادیه های کارگری آذربایجان انتخاب شد . رفیق آذری در سال ۱۳۲۵ به اتحاد شوروی مهاجرت کرده و در این دوران نیز در امور حزبی شرکت فعال داشته است . رفیق آذری از سال ۱۳۲۹ عضو کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان و حزب توده ایران است . با مرگ رفیق آذری حزب ما یکی از مبارزان با سابقه و با ایمان خود را از دست داده است . ما این ضایعه را به همه رفقای حزبی و بازمندگان رفیق فقید صمیمانه تسلیت میکنیم . دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

دست داشتیم مصاحبه ای بعمل آوریم . مانند هیئت های اعزامی دیگر ، چشم خود دیدیم که رژیم تا چه اندازه پنهانکار است . با این همه امکان آن هست که بر پایه اطلاعات خود و دیگران و واقفیات منظره های احتمالی از جریان آخرین قربانیهای منتصب به گروه نه نفر را توصیف کنیم . میتوان حدس زد که آنها بوسیله ساواک ، پلیس سیاسی آن کشور ، دستگیر شده و مدت زمانی نیز در توقیف بسر برده اند . احتمال میرود که ساواک در طول این مدت از آنها بازپرسی بعمل آورده است ، وکلای مدافع متهمان حق ملاقات از آنها را نداشته اند . از

درود پر شور

به کارگران و زحمتکشان ایران ! (بیم کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت جشن اول ماه مه)

و زحمتکشان بعطت افزایش روز افزون هزینه زندگی مرتباً پایین میآید . بهای کالا های روزمره ابتدائی آنان چند برابر میشود ، مزد های ناچیز زحمتکشان باثبات میماند و با مبلغ بسیار کمی که با افزایش قیمتها متناسب نیست بدان اضافه میگردد . قانون هشت ساعت کار در روز اجرا نمیشود ، قانون کار و قوانین بیمه های اجتماعی محصول مبارزه پی گیر طبقه کارگر است که بدرستی اجرا نمیشود . هنوز دهها هزار کودک خردسال برخلاف قانون کار بسختی استعمار میشوند ، هنوز مزد زنان کارگر در برابر کار مساوی با مردان یکسان نیست . کارگران و زحمتکشان ایران! شما آزاد میباشید و هرگونه آزادی و حقوق دمکراتیک محرومید . تشنگان جهمی ساواک سدنیگا های دولتی را بر شما تحمیل و حق انتخاب نمایندگان واقعی را از شما سلب کرده است . رژیم استبدادی ایران از یکسو تروتهای طبیبی مینماید و از جمله منابع گرانبهای نفت را باحصار های امپریالیستی به بهای نازل میفروشد و درآمد آنرا بجای صرف خوراک بهبود زندگی شما و کفایت مردم ایران بصندوق انحصار های اسلحه سازی ، تجیب های پر نشدنی شاه و خانواده اش ، بدریاریان کاسه لیس ، بفرماندهان ارتش تجلوز کار ، بجنایتکاران ساواک و دستگاههای گوناگون امنیتی ، به بسیاری از کار شناسان جاسوس و رنگارنگ امپریالیست ها و طبقات ممتاز ، میپردازد . این کاههای بلند ، این ماشینهای آخرین سیستم ، این پولهاییکه در بانکهای خارجی روی هم دنباله در صفحه ۲

ران و زحمتکشان ! مرکزی حزب توده ایران روز اول ماه مه ، روز کی جهانی زحمتکشان ، روز زره نیروی شگرف ی جهان را بشما شاد باش میگردد . زحمتکشان با اسلح نیر جشن اول ماه مه را در شرایط تشدید اختلاف رژیم استبدادی متحد رضا شاهی ، در تشدید بهره کشی سرمایه دازان داخلی و در شرایط دشوار وسخت زندگی و شرایطی سخ خواستهای صنعتی آنانرا با گلوله و زندان راندن از کار مینهدند ، برگزار میکنند . روز تاریخی اول ماه مه روز اعلام خواستهای و سیاسی طبقه کارگر در کشور های سرمایه داری هم مبارزه برای وصول بهائاست . در گذشته کارگر ایران با مبارزه پیگیر خود زیر رهبری توده ایران و شوروی متحده مرکزی های کارگران و زحمتکشان ایران حکومت وادار کرد که این روز را بعنوان روز جشن ی برسمت بشناسد . ولی حکومت ایران تا آنجا نست از برگراری این جشن در عمل جلوگیری کرد ، انجام در نتیجه مبارزه مداوم زحمتکشان باز قبول آن بعنوان روز کارگر تن در داد ؛ در عین شش کرد زره نیروی کارگری و طرح خواستهای جماعات محدود در کارخانه ها و برای تبلیغ بسود بدیل کند . زحمتکشان ایران سیاست ضد کارگری رژیم از هر کس با پوست و گوشت خود لمس د . سلح زندگی روزانه خانواده های کارگران

در تاریخ ۱۲ فوریه ۱۹۷۶ در روزنامه انگلیسی «تایمز» و نیز در روزنامه فرانسوی «لوموند» متن گزارش «کمیته پارلمانی دفاع از زندانیان سیاسی در ایران» در انگلستان نشر یافت . از آنجا که این گزارش از طرف نمایندگان لیبریت حاکی از یک گواهی بین المللی دیگر بر فقدان کامل هرگونه اتونومی در سیر رسیدگیها و محاکمات و تسلط بیرحمانه «ساواک» در ایران است ، لذا ترجمه آنرا برای اطلاع بنظر خوانندگان ارجحند «مردم» میروانیم .

حکومت ایران فرومایه ترین حکومت جهان است

(متن کامل گزارش «کمیته پارلمانی دفاع از زندانیان سیاسی در ایران» منتشره در «تایمز» لندن) (۵ شنبه ۱۲ فوریه ۱۹۷۶)

رسمی اواصولاً از هرگونه همکاری خودداری می ورزند . اعلام تیر باران نه نفر باصلاح چریک در تاریخ ۲۴ ژانویه بر سبانه افراسی که بموجب اطلاعات موجود سرزوشتی مشابه گریبانگیر شان شده است ، افزود . هیچ کس حق ندارد از دستند و اتهام اطلاع یابد و محاکمات دیگر علنی نیست . بخلاف دیگران ، این افراد لا اقل میدانند که تیر باران آنها دستوری است . برخی دیگر ، مثلاً نه زندانی سیاسی در اوایل ۱۹۷۵ ظاهراً ، بهنگام فرار از زندان ، بصرب گلوله از پای در آمدند . به هیچ کس اجازه بازدید از جنازه آنها و رویت گزارش پزشکی قانونی داده نشد . ما در اوت ۱۹۷۵ ، بنام «کمیته پارلمانی بریتانیا برای دفاع از زندانیان سیاسی در ایران» رهسپار تهران شدیم . قصد ما آن بود که در باره شرایط و ادعاهای مبتنی بر بدرفتاری با زندانیان سیاسی تحقیق کنیم و بکوشیم تا با چند زندانی که نامشان را در

ایران کشوری است که در آن زندانیان سیاسی بر یافت میشوند . شاه رژیم او از دادن هرگونه ی درباره شماره آنها خود داری میورزند . شماره ن سیاسی در ایران از ۲۵۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰ تخمین شود . در هر حال ، رقم حقیقی سرسام آوار است . ست که محاکمات و رای های شان داد گاهی ، جهانیان را برانگیخته است . اعدام چیزی است ی بار وجود شکنجه و دادگاه های صحرائی ده و در برخی موارد نیز بیعت رسیده است . های پیش چندین گروه بین المللی بازرسی به سفر کرده اند . همه آنها از عکس العملی ن خبر میدهند . سکوت رسمی ، شاه خیلی است که نقش میزبان کفرانسهایی بین المللی امون حقوق بشر بازی کند . شوق قطننامه های در باره حقوق بشر باشد و در گفتار های خود اری از اصول حقوق بشر بشتابد . اما هنگامیکه تحقیق در باره رژیم خود او پیش آید ، مقامات

تسلیت

چنانکه روزنامه های ایران خبر داده اند مهندس عباس وثوق حقیقی بعثت بیماری سرطانی در تهران در گذشته است. مهندس وثوق عضو سابق شعبة تشکيلات کل کمیته مرکزی حزب توده ایران و دو بار یکبار از سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۲ بمدت پنج سال و بار دیگر از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۸ باز هم بمدت پنجسال یعنی جمعا ده سال زندانی بوده است. مهندس عباس وثوق حقیقی تا باز پسین دم زندگی به آرمان حزب توده ایران وفا دار و در محیط کار وزندگی نین دوستان و آشنایان خود از محبوبیت فراوانی برخوردار بوده است.

ما در گذشت نا بهنگام رفیق دیرین و مقولم خود را به باز ماندگان رفتاری حزبی و دوستان رفیق فقید تسلیت میگوئیم.

هیئت تحریریه « مردم »

تشدید بحران در درون

وسیع زحمتکشان کشور نیز بازتاب یافته است. طی چند روز اول ماه آوریل در میدان مرکزی شهر پکن «تیان آن مین» تظاهرات انبوهی از اهالی پکن تشکیل گردید که آشکارا به اعتراض علیه رهبری مائوئیستی و سیاست آن تبدیل گردید. گرچه در صورت ظاهر انگیزه این تظاهرات بر گزاری روزیاد بود در گذشتگان که از سن ملی خلق چپ است و نیز بزرگداشت یاد بود نخست وزیر فقید چون لای و نثار تاج کل بیای بیای یادگار فرمانان انقلاب بود. ولی از شماره های که در این تظاهرات داده میشد و نوشته های روی نوارهای تاج گل معلوم شد این انگیزه تنها دستاویزی برای ابراز اعتراض متشکل اهالی پایتخت علیه رهبری مائوئیستی بود. در گذشت نضت وزیر چون لای عامل تازهای برای تشدید مبارزات درونی رهبری مائوئیستی بر سر قدرت بود و موجب شد که این مبارزات از چهار چوب اختلافات میان گروه های مختلف رهبری خارج شود و بشکل تظاهرات گسترده اهالی پایتخت چین علیه مجموعه اندیشه ها و سیاست مائوئیستی بروز نماید.

روزنامه «ژود دوپچه تسای تونگ» چاپ آلمان باخبری خاطرنشان میکند: «تظاهرات ضد مائوئیستی در میدان «تیان آن مین» نشان داد که اپوزیسیون درون چین که رشد سالم اقتصاد کشور را بر شمار های انتزاعی و بی محتوی مائوتسه دون ترجیح میدهد قوی تر از آنست که گروه رهبری مائوئیستی تصور میکنند».

در مورد این تظاهرات مطبوعات خود چین هم نتوانستند بیار با فرمولهای متبدل مبارزه علیه طرفداران راه سرمایه داری، «دانصراف از اندیشه های مانو و غیره» انگیزه و محتوی اصلی این تظاهرات را بد نام کنند و ناگزیر به اعتراف این مطلب شدند که: «لایه تیز اعتراض شرکت کنندگان در تظاهرات علیه مائوتسه دون متوجه بوده. هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین ضمن تصمیم در مورد برکناری دن سیائوپین، از همه مقابله های حزبی و دولتی و انتصاب «هوا گوفن» بمقام نخست وزیر و معاون اول صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست چپ» تظاهرات میدان «تیان آن مین» را بعنوان یک اقدام ضد انقلابی محکوم نمود و دن سیائوپین و هوا داران وی را مسئول این اقدام شناخت. اما در حقیقت این تصمیمات رهبری مائوئیستی تنها تلاشی است برای گمراه ساختن افکار عمومی توده های وسیع خلق چین و استعار انگیزه های واقعی بحران درون رهبری چین. بطوریکه روزنامه «نیویورک تایمز» خاطر نشان میکند: تصمیم در مورد برکناری دن سیائوپین را باید نه انجام بلکه آغاز مبارزات شدید تر و تعمیق بیشتر بحران درون رهبری مائوئیستی و همه جامعه چین دانست.

روزنامه «ژن مین ژینائو» طی مقاله مسوطی در مورد حوادث اخیر در پکن اعتراف میکند که در میان رهبری مائوئیستی مبارزات شدیدی بر سر قدرت در جریان است و نیز وجود ناراضی از سیاست رهبری کنونی را پنهان نمیکند. اما بشیوه معمولی مائوئیستی انگیزه این حوادث «قانونمندی مبارزه طبقاتی» در درون جامعه چین و مبارزه دو خطی، در درون حزب کمونیست چین از بنای شده و با این فرمولها تلاش

درد پرشور به کارگران

گذاشته میشود و این زندگیمای افسانه وار که شما رنگ آنها را حتی در خواب نمی بینید، جز از راه تاراج و غارت دسترنج شما و ثروت های کشور از جلی دیگری بدست نیامده است.

کارگران، زحمتکشان!

شاه و عمال حکومت مطلقه اش در همانحال که گنجهای خود را از نمره زنجهای شما پر میکنند برای گمراه کردن شما بیشرمانه و ریاکارانه از یگانگی منافع کارگر و کارفرما دم میزنند. مدعی هستند که با وضع قوانین سهیم کردن کارگران در سودخانه ها با فروش سهام کارخانه ها به کارگران، کارگر و کارفرما را برادر وار بهم پیوند داده، اختلاف طبقاتی و استثمار را از بین برده و عدالت اجتماعی را برقرار کرده اند! اما باز هم شما بهتر از هر کس میدانید که مقصود از این ادعاهای پوچ جلوگیری از مبارزات شما و استثمار هرچه بیشتر شماست. هدف رژیم استبدادی از این عوامفریبی ها تخدیر طبقه کارگر، جلوگیری از رشد آگاهی و مبارزات مطالباتی و سیاسی او است. وابسته کردن سندیگهای کارگری به حزب شاه فرموده دستاویز، نیز هدفی جز کشاندن طبقه کارگر بدنبال سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم و برقراری کنترل هرچه دقیقتر همه زحمتکشان و انحراف جنبش کارگری از مبارزه واقعی صنفی و سیاسی ندارد. رژیم ضد کارگری ایران به نیروی طبقه کارگر واقف است، زیرا حزب شست این طبقه را در آن روز کاری که در آغاز رشد و گسترش خود بود، شنیده و بخوبی میدانند که اگر امروز که طبقه کارگر در مبارزات خود با انگیزه نیرومندتر شده متحد شود و بمیدان مبارزه قدم گذارد، خطر بزرگی برای بساط استعماری شاه و غارتگری سرمایه داران و زمینداران بزرگ خواهد بود، از این رو با تمام وسائل کوشش میکنند که این طبقه را بفریبند و از گسترش یکپارگی طبقاتی آن جلوگیری کنند.

اما با وجود کوششهای رژیم و اطمینان نشانی میدهد که طبقه کارگر و زحمتکشان زمین با گول حکومت کارگر کش را نمخورند. در یک سال اخیر میهن ما شاهد جنبش گسترده مطالباتی و حق طلبانه و نجات برای دفاع از حقوق خود بوده است. اعتراضات خونین کارگران پارچه بافی شاهی، کارگران ماشین سازی اراک، کارگران کارخانه چیت سازی کرج، کارخانه نساجی شهناز و کارخانه صنایع پشمایی در اصفهان، کارگران صنایع نفت جنوب، کارگران کوره پز خانه ها و دهها اعتصاب دیگر گواه صادق بر این مدعا است که طبقه کارگر ما با وجود رژیم پاپی ساواک و رویرو بودن با خطر سرک، زندان و اخراج از کار، دلیرانه از حقوق خود دفاع میکند و کارفرمایان و رژیم پشتیبان آنها را واجد بقبول تمام یا بخشی از خواسته های خویش مینماید. گسترش جنبش اعتصابی در سالی که گذشت نشانه بالا رفتن سطح آگاهی زحمتکشان و نوید بخش تشکل و اتحاد هر چه بیشتر آنها در مبارزات آینده است. زحمتکشان ما در جریان مبارزات حق طلبانه خود پی میبرند که تنها از راه نبرد متحد و سازمان یافته میتوان و باید از منافع خود در برابر سرمایه داران بزرگ، فاسد و حکومت استبدادی متعلق بانها دفاع کرد. گسترش جنبشها و دهها کارگر، باز داشت و اخراج صدها نفر از زحمتکشان در جریان اعتصابهای گذشته چهره زشت و نفرت انگیز رژیم و حیله گریهای او را بیش از پیش رسوا و آشکار کرده و زحمتکشان را از این راهبانی حقیقت که مبارزه مطالباتی با مبارزه سیاسی علیه رژیم ضد کارگری پیوند

میشود علت عمده تشدید بحران در داخل رهبری مائوئیستی که به اشکال مختلف اعتراض و مقاومت میان قشرهای مختلف اهالی کشور علیه مجموعه سیاست خارجی و داخلی مائوتسه دون و گروه طرفدار وی در رهبری بازتاب مییابد، استوار شود.

تظاهرات در میدان «تیان آن مین»، نمودار تازه ای از آنتسکه مبارزات سیاسی درون رهبری چین اشکال حادثه ای بغود میگردد و فرنج تر میشود و این حوادث قبل از همه بازتاب روشنی از مرز بندی مشخص تر میان قشرهای مختلف جامعه چین است که با آگاهی به پی آمدهای زبان بار مجموعه اندیشه ها و سیاست مائوتسه دون و گروه هوادار وی برای آینده خلق و کشور چین، وارد صحنه پیکار میشوند.

ق. پیروز

حکومت

تحقیقات خود، چه پیش از سفر به آمریکا و چه از آن، هیچگاه چیزی در باره تیره مهمان محاکم نظامی تشدیدیم. زمانی بود که مردم میخواستند در جزئیات این داد رسنها شرکت کنند. برای نمونه، در جریان محاکمه برخی از افراد منتسب به «گروه ۹ نفر» که در سال پیش به کلوله بسته شدند، گروهی از ناظران خارجی امکان شرکت در آنرا یافتند. همین ناظران خارجی که جراحات وارده به متهمان را چشم خود دیده اند، وجود شکنجه را تأیید میکنند. پایایی افزایش اهمیت ایران برای اقتصاد جهانی و اظهارات علنی شاه در باره پشتیبانی از حقوق بشر، اختناق داخلی رژیم او نیز فزونی مییابد. دیگر به ناظران اجازه شرکت در خادرسی های نظامی داده نمیشود. اکنون حتی از سوی اپوزیسیون قانونی نیز دیگر تظاهری بعمل نمی آید و تنها حزب قانونی، حزب رستاخیز، است. ساواک به فعالیت های پی خد و حصر خود ادامه میدهد.

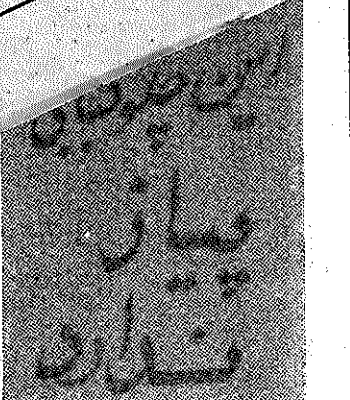
نبودن اطلاعات رسمی تنها میتواند حدسیات را دامنه بگذرد. نباید تردید داشت که این حدسیات بر واقعات استوار است. ما تأیید میکنیم که در ایران مردم به حدسیات نامبرده اعتقاد دارند. متأسفانه، بخلاف کشورهایی مانند اسپانیا، که از لحاظ اقتصادی اهمیت کمتری دارند، اعداهای پایایی در ایران چنانکسی باید خشم و واکنش جهانیان را برنمی انگیزد. فعلا، در ایران از حیث شدت تضاد میان رژیم و ملت، شاید فرورمیه ترین حکومت جهان فرمانروائی میکند.

ناگسستی دارد، آگاه میکند. هیئت حاکمه در مبارزه علیه کارگران و زحمتکشان برای ادامه غارتگری خود از کلیه وسایل ترور و اختناق و تباہیات گمراه کننده استفاده میکنند، در مقابل این وسائل تنها سلاح برنده شما اتحاد، تشکل و مبارزه است. گروه های چپ اما که کوشش دارند پاره ای از عناصر بی تجربه کارگری را از راه درست مبارزه منحرف کنند و به ماجراجویی بکشاند عملاً طبقه کارگر خیانت میکنند.

خواهران و برادران زحمتکش! طبقه کارگر و زحمتکشان ایران دارای سنت های با ارزش مبارزه صنفی و سیاسی هستند و اگر امروز حکومت مطلقه محمد رضا شاهی این طبقه را برسمیت میشناسد و مخیلاته خود را جانبدار او مینماید، نتیجه مبارزات دشوار و پر فراز و نشیبی است که زیر رهبری شورای متحده مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان ایران و رهبری سیاسی حزب توده ایران بعمل آورده است. برای اجرای درست و رفع نواقص قوانین کار گری موجود، برای بالا بردن دستمزدهای خود بنسب بالا رفتن هزینه زندگی، برای گسترش آموزش حرفه ای و بالا بردن سطح مهارت زحمتکشان، برای یکسان کردن مزد زنان در برابر مساوی با مردان، برای آزادی سندیگاتی و برای رسیدن به حقوق صنفی و سیاسی خود آتش پیکار را تند تر و فروزان تر کنید! همگام با دیگر نیرو های ملی برای جلوگیری از خرید های سرسام آور تسلیحاتی که در آمد کشور را بسود انحصارات اسلحه سازی امپریالیستی می بلعد، برای خروج نیروهای مجازو ایران از عمان که بنام کمک سلطان ذروان و سالی فابوس و برای سرکوب جنبش رهایی بخش خلق مظلوم و محروم این کشور بدانجا اعزام شده اند، برای جلوگیری از بر باد دادن بزرگترین ثروت ملی نفت و اجرای تمام و کمال قانون ملی شدن صنایع نفت و برای برپیدن بساط جهمی ساواک که هرگز نه آزادی و امنیت را از مردم سلب کرده و سایر هدفهای ملی و ضد امپریالیستی مبارزه کنید. مبارزه شما به دیگر نیرو های ملی و دموکراتیک که برای آزادی و استقلال کشور و ریشه کن کردن نفوذ امپریالیسم از میهن گرامی ما در شرایط بسیار دشواری تیره میکنند، نیرو می بخشد و بانها الهام میدهد.

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، با ایمان راسخ به خواجه رهایی بخش شما یقین دارد که دریا با یزد روزی خواهد رسید که شما روز اول ماه مه را در ایرانی آزاد و آباد جشن بگیرید. زنده باد روز اول ماه مه! روز همبستگی بین المللی زحمتکشان! بیروز باد مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان ایران! کمیته مرکزی حزب توده ایران

لیس



اعلان يك دكان چلو کبابی

تازگیها گشتهای خان، ای بیاز! همسر اشراف و اعیان، ای بیاز! با توانگر یار و همبر گشته ای می گریزی از فقیران، ای بیاز! دیزی آبگوشت را دانی طلاق طالبی بر کبک بریان، ای بیاز! در هوای وصل تو با اشکبه زیر پا کردیم تهرات، ای بیاز! در فراوانی تو بودی بی نظیر کاه بودی قاتق نان، ای بیاز! کشت سبزیکار را زینت بدی پس چه شد آن روزگاران، ای بیاز! غیبت کبری نمودی از وطن آمدی از هند و افغان، ای بیاز! پول کود تو بعنوان کمک هدیه شد بر انگلستان، ای بیاز! گر تمدن این بود دروازه اش ننگ بر دروازه بلان، ای بیاز!

دلار فشانای علیحضرت

زهی افتخار و زهی افتخار! که نظمی معظم شده برقرار! جهان میسراید سرودی زینت که فردوس گردیده ایران زمین ز فرهنگ و بهداشت دیگر مگو تو اصلا مرضی در ایران موج و گر بیسواهی در ایران بود یقین دان ز نسل ذلیران بود نیامد از این در یکف پول نفت از آن در بحکم شهنشاه رفت چرا غر باید شود ورشکست عمو سلام قلدر شود زیر دست سهام کروب را خریدیم بیوش عزیز است هر جا بود قوم و خویش مبادا بریتانیای کبیر ز اسب بزرگی در افتد زیر وفا راه و رسم نیاکان ماست کمک بر بریتانیا زان ماست که آنها بنا نیز یاری کنند خر مرده را اسب گاری کنند الا ای بزرگان دنیای غرب در ایران بود لقمه نفت چرب اگر خوکها تان کمی لاغرند بهل در علف زار ما می چرند چو کسرسیموم هست از دوستان ز سعتی شنو پندی از بوستان «تو که محنت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی»